

مطلب روز

مدیریت بیماری پوسیدگی ساقه کلزا

علی زمان میرآبادی

مسئول مرکز تحقیقات کاربردی شرکت توسعه کشت دانه های روغنی

کشاورز دوست دارد در مقابل زحمات فراوانی که در مزرعه خود متحمل می شود، محصولی با سود اقتصادی و پرمفعت داشته باشد. او می داند برای موفقیت در تولید اقتصادی مطلوب، می بایست تلاشهای زیادی را در تمامی مراحل کاشت، داشت و برداشت انجام دهد. گاهی مشاهده می شود این تلاشها انجام می شود ولی برخی اوقات نتیجه مطلوب حاصل نمی گردد. شاید یکی از دلایل آن عدم آگاهی و به روز نبودن اطلاعات کشاورز در خصوص دانش مقابله با عوامل تهدید کننده محصول کشت شده باشد. این موضوع شاید زمانی که این عامل تهدید کننده به راحتی قابل مشاهده و تشخیص نباشد کار را کمی پیچیده کند. در این مقاله تصمیم دارم به مدیریت یکی از بیماریهای کلزا تحت عنوان پوسیدگی سفید ساقه بپردازم که اگر به موقع تشخیص داده نشود در شرایط حاد می تواند باعث از بین رفتن کل محصول زارع گردد. علت نامگذاری بیماری به دلیل بروز علائم پوسیدگی سفید رنگ در اواخر مرحله رشدی گیاه بر روی ساقه است که به راحتی قابل تشخیص است اما وقوع و نحوه ایجاد این بیماری در ابتدای امر برای بسیاری از کشاورزان، زمانی که به آسانی با تشخیص درست می توانند از وقوع آن جلوگیری کنند، شاید مشخص نباشد. عامل این بیماری یک قارچ است که بر روی انواع محصولات زراعی، سبزی و صیفی به جز غلات می تواند ایجاد خسارت نماید. شروع اولیه بیماری از فعالیت قطعات سیاه رنگ کوچک (با نام اسکروت در حدود ۲ تا ۱۰ میلی متر) با سطحی نسبتاً صاف و گرد شروع می شود که درون خاک قرار دارند. این قطعات سیاه رنگ قادر هستند اندامهای بشقاب مانند (حدود ۶ میلی متر) و نارنجی رنگ را عموماً از دی ماه تا اواخر فروردین در شرایط آب و هوایی شمال (مازندران و گلستان) در سطح خاک به وجود آورند. این اندام های بشقاب مانند زمانی که کلزا در مرحله گلدهی است ذراتی (اسپور یا هاگ) را به هوا آزاد می کند که می تواند برگ های کلزا را آلوده نماید. علائم این آلودگی به شکل لکه هایی گرد و در مرکز سفید تا خاکستری است که به تدریج اندازه آن افزایش خواهد یافت. این آلودگی دور از چشم کشاورز و از داخل برگها به سمت پایین ساقه گیاه حرکت خواهد کرد و با محدود کردن جریان انتقال مواد غذایی از سمت ریشه به بخش های هوایی گیاه، منجر به رسیدگی زودتر و خوابیدگی بوته ها می گردد. نهایتاً کشاورز قادر نخواهد بود محصول را برداشت نماید یا این که تولید کمی و کیفی مناسبی نخواهد داشت. در شرایط مرطوب علائم بیماری بر روی ساقه به صورت پوشش سفید رنگ همراه با اسکروت های فراوان قابل مشاهده است. در شرایط معمول این اسکروتها در داخل ساقه تشکیل می شوند. زمانی که کشاورز محصول خود را برداشت می نماید در ساقه های به جا مانده از کلزا بر روی زمین این اسکروتها در مزارع آلوده به سهولت قابل تشخیص هستند و می توانند برای سال بعد نیز در هنگام عملیات شخم و دیسک به درون خاک منتقل شوند و مجدداً آلودگی برای فصل بعد به شکل یاد شده صورت گیرد. عامل این بیماری در بیشتر مناطق شمالی از استانهای مازندران و گلستان، وجود دارد لذا ضرورت دارد کشاورزان در خصوص مدیریت این بیماری از هر دو روش زراعی و شیمیایی برای کنترل آن استفاده نمایند. از آنجائی که این اسکروتها می توانند حتی برای بیش از ۱۰ سال در خاک باقی بمانند لازم است به نحوی از تشکیل آنها جلوگیری یا در صورت تشکیل نسبت به از بین بردن آنها اقدام گردد. در این خصوص می توان با غرقاب کردن زمین، سوزاندن یا دفن عمیق بقایا نسبت به حذف آنها بعد از برداشت کلزا اقدام نمود. تناوب با غلات، یکی دیگر از روشهای مقابله با این قارچ است. کاربرد تیمارهای شیمیایی در مزارع آلوده در مراحل اولیه تشکیل گلها و قبل از تشکیل علائم می تواند بسیار مفید باشد. در صورت نیاز می توان ۱۰ تا ۱۴ روز بعد، تیمار محلول پاشی را تکرار نمود. با توجه به اینکه توسعه و پیشرفت آلودگی ناشی از این قارچ در مناطق مختلف متفاوت است لذا ضرورت دارد تا کشاورزان ضمن مراجعه به کلینیک های گیاهپزشکی از زمان دقیق مبارزه با این بیماری و نوع سم و نحوه استفاده از آنها در منطقه خود دقیقاً اطلاع کسب نمایند. حذف علفهای هرز میزبان، انتخاب تراکم مناسب، استفاده درست از میزان توصیه شده کودهای شیمیایی و نهایتاً رعایت موارد یاد شده توسط همه زارعان از دیگر موارد مدیریت این بیماری می باشد.